



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیکتر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱



فیش‌های کفایه الاصول

بزرگسای کفایه - دور اول

سرپرست پژوهش تطبیقی:
حجت‌الاسلام و المسلمین صدوق

حسینیه اندیشه

زمستان ۱۳۸۱

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش: آرزوی سائل علم به قضایا مشتتة لکن داخل در غرض تدوین آن علم است.

متن فیش:

۲. تعریف مسائل علم

و المسائل عبارة عن جملة من قضايا متشعبة جمعها اشتراكها في الداخل في الغرض الذي لأجله دون هذا العلم
 مسائل علم عبارت است از گروهی از قضایای پراکنده، که اشتراکشان در این که همگی داخل غرض تدوینی (غرضی) است.
 که به خاطر آن این علم تدوین شده است) علم هستند، آنها را به دور هم جمع کرده است.

تقریر: تعریف

نوع مسائل علم

چنین گروهی از قضایای مشتتة پراکنده

فصل قضایای که داخل در غرض تدوینی علم هستند.

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۲/۱. اشتراک دو علم در بعضی از مسائل

فلذا قد يتداخل بعض العلوم في بعض المسائل مما كان له دخل في مهمين لأجل كل منهما دون علم على حدة فيصير من مسائل

العلمين.

از این رو، گاهی بعضی از علم‌ها در بعضی از مسائلشان مشترک می‌شوند، آن مسائلی که در هر دو امر مهم دخالت دارند، دو امر مهمی که هر کدام از این دو علم به خاطر یکی از آن دو تدوین شده‌اند. فلذا این مسائل، مسائل هر دو علم می‌شوند.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش: اشکال در اشتراک بعضی علم به امکان اشتراک در علم در آراء

متن فیش:

۲/۲. اشکال به اشتراک دو علم در همه مسائل

لا يقال علي هذا يمكن تداخل علمين في تمام مسائلهما في ما كان هناك مهان متلازمان في الترتب على جملة من القضايا لا يكاد انفكاكها.

نمی شود بر این مطلب اشکال کرد که با این کلام شما، ممکن است دو علم پیدا شود که به خاطر متلازم بودن غرض های شان، در همه ی مسائل مشترک شوند، چرا که این دو غرض متلازم مترتب بر گروهی از قضایا هستند که انفکاک آن ها از هم ممکن نیست.

تقریر: برهان

صغری: اگر دو علم پیدا شوند که در تمام مسائلشان مشترک باشند

کبری: در غرض متلازم مترتب بر گروهی از قضایا هستند که انفکاک آنها از هم ممکن نیست

نتیجه: ممکن است آن دو علم از هم جدا شوند و تعریف اشکال طرف

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش: جواب به اشکال گذشته با طریقی را شناسان آن دو علم که سائلان شرک است.

متن فیش:

۲/۲/۱. پاسخ آخوند به این که این دو علم یکی خواهند بود

فانه يقال مضافا إلى بعد ذلك بل امتناعه عادة لا یکاد یصح لذلك تدوین علمین و تسمیتها باسمین بل تدوین علم واحد
یبحث فیه تارة لکلا المهمین و أخرى لأحدهما و هذا بخلاف التداخل فی بعض المسائل

چه این که پاسخ می دهیم عادتاً ممتنع است که برای چنین غرض های متلازمی، دو علم تدوین شود و دو نام بر آنها گذاشته شود، بلکه یک علم واحد تدوین می شود که گاهی از هر دو غرض بحث می کند و گاهی از یکیشان و این غیر از آن چیزی است که ما گفتیم.

تقریر: به نظر اینی بمرحوم آخوند در پاسخ به اشکال گذشته به عادت تکلیف کرده و اصل و ض (مغزی)

را مصنفه ندارد و برابر اینی مطلب در این وجه ذکر شده است و اگر در جاز دیگر

مانند منطق دغیره برابر اینی موارد در این ذکر شده است، به آورده شود.

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش: تکلیف به راهت در بیج نبودن حسن نبودن اشتراک دو علم در بعضی مسائل

متن فیش:

۲/۲/۲. قبیح نبودن اشتراک دو علم در بعضی مسائل

فإن حسن تدوین علمین کانا مشترکین فی مسألة أو أزید فی جملة مسائلها المختلفة لأجل مهمین مما لا یخفی.
 دو علم در «بعضی» از مسائل می توانند با هم متحد باشند. این که دو علم مشترک باشند در یک مسأله یا در گروهی از مسائل مختلف به خاطر دو غرض، حسن بودنش امری پنهان نیست (یعنی واضح است که این کار قبیح نیست).

تقریر:

کبری اشتراک نبودن دو علم در یک مسأله یا در گروهی از مسائل مختلف به خاطر دو غرض
 حسن بودنش امری پنهانی است.

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل: اسرول: تعریف موضوع در علم به میان موضوعات مسائل آن علم (بالجمله) تاریخ شماره صفحه: ...

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

متن فیش:

الأول

إن موضوع كل علم ، وهو الذي يبحث فيه عن عوارضه الذاتية - أي بلا واسطة في العروض - هو نفس موضوعات مسائله عيناً ، وما يتحد معها خارجاً ، وإن كان يغيرها مفهوماً ، تغاير الكلي ومصاديقه ، والطبيعي وأفراده ؛

تقریر:

نوع: موضوع (نفس موضوعات مسائل)

جنس: عوارض ذاتیه (بدون هیچ گونه واسطه ای در عروض)

فصل: اتماد خارجی و تغاير مفهومی (تغاير كلي ومصاديقه و طبيعي وافراد)

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل: تعریف مسئله بر قضایای مشتت که عرضی واحد بر آنها حکم است ، شماره صفحه: ...۸۰

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

متن فیش:

والمسائل عبارة عن جملة من قضايا مشتتة ، جمعها اشتراكها في الداخل في الغرض الذي لأجله دُون هذا العلم ، فلذا قد يتداخل بعض العلوم في بعض المسائل ، مما كان له دخل في مهمين ، لأجل كل منهما دُون علم على حدة ، فيصير من مسائل العلمين .

تقریر:

نوع: مسئله (قضیه)

جنس: قضایای مشتت

فصل: هکلی آنها بعلت عرضی واحد جمع شده اند منقذی بران دداخل آنها در حد علم نیست .

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

شماره صفحه: ...

عنوان فصل: تداخل دو علم در تمام مسائل معارضة مهتبع است

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

متن فیش:

لا يقال : على هذا يمكن تداخل علمين في تمام مسائلهما ، فيما كان هناك مهمان متلازمان في الترتب على جملة من القضايا ، لا يكاد انفكاكهما .

فإنه يقال : مضافاً إلى بعد ذلك ، بل امتناعه عادة ، لا يكاد يصح لذلك تدوين علمين وتسميتهما باسمين ، بل تدوين علم واحد ، يبحث فيه تارة لكلا المهمين ، واخرى لأحدهما ، وهذا بخلاف التداخل في بعض المسائل ، فان حسن تدوين علمين - كانا مشتركين في مسألة ، أو أزيد - في جملة مسائلهما المختلفة ، لأجل مهمين ، مما لا يخفى .

تقریر:

صغری: همان گونه که تداخل دو علم در بعض مسائل ممکن است این تداخل در کل مسائل دو علم نیز ممکن است. (دوره متلازم داشته باشیم)

کبری: این مطلب مستلزم اجتماع بعضین باصطدیس هرود (عادتا)

نتیجه: تداخل دو علم در کل مسائل (به اینکه در بعض متلازم داشته باشیم) مهتبع است

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

شماره صفحه: ... ۸

عنوان فصل: تمایز علوم به تراز امراض تدوینی منتهی می شود

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

متن فیش:

وقد انقدح بما ذكرنا ، أن تمايز العلوم إنما هو باختلاف الأغراض
 الداعية الى التدوين ، لا الموضوعات ولا المحمولات ، وإلا كان كل باب ،
 بل كل مسألة من كل علم ، علماً على حدة ، كما هو واضح لمن كان له
 أدنى تأمل ، فلا يكون الاختلاف بحسب الموضوع أو المحمول موجباً
 للتعهد ، كما لا يكون وحدتهما سبباً لأن يكون من الواحد .

تقریر:

مقدم: اگر تمایز علوم به تراز موضوعات یا محمولات باشد لازمه آن است که هر باب بلکه هر مسئله‌ای
 را یک علم مستقل بدانیم .

تالی: اما عملاً اختلاف موضوعات و محمولات نه سبب تعدد علوم می شود نه سبب وحدت آنها

نتیجه: بنابراین تمایز علوم به موضوعات و محمولات است (بلکه به امراض تدوینی است)

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل: در موضوع علم نیاز به داشتن عنوان واسم خاص نداریم. شماره صفحه: ...

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

متن فیش:

ثم إنه ربما لا يكون لموضوع العلم - وهو الكلي المتحد مع موضوعات المسائل - عنوان خاص واسم مخصوص ، فيصح أن يعبر عنه بكل ما دلّ عليه ، بدهاة عدم دخل ذلك في موضوعيته أصلاً .

تقریر:

صفحه: آیا موضوع بد علم باید عنوان واسم خاص داشته باشد؟

کبریا: عنوان داشتن مدحلیتی در موضوع علم ندارد.

نکته: همان جمله کلی که تحت آن موضوعات ماثلش مانند است کلی طبیعی و افراد

کفایت می کند و نیاز به عنوان خاص درباره آن نیست

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل: موضوع علم اصول ادله اربعه است بلکہ کلی منطوق بموضوعات مسائل متشکله است شماره صفحه: ... ۹

نوع محتوای فیش:

تعریف

تقسیم

برهان

متن فیش:

وقد انقدح بذلك أن موضوع علم الأصول ، هو الكلّي المنطبق على موضوعات مسائله المتشكّلة ، لا خصوص الأدلة الأربعة بما هي أدلة^(۱) ، بل ولا بما هي هي^(۲) ، ضرورة أن البحث في غير واحد من مسائله المهمة ليس من عوارضها، وهو واضح لو كان المراد بالسنة منها هو نفس قول المعصوم أو فعله أو تقريره ، كما هو المصطلح فيها ، لوضوح عدم البحث في كثير من مباحثها المهمة ، كعمدة مباحث التعادل والترجيح ، بل ومسألة حجية خبر الواحد ، لا عنها ولا عن سائر الأدلة .

تقرير:

مقدم : آ موضوع علم اصول ادله اربعه باهدو و تفسیر آن باشد [بهاهی ادله، بهاهی هی] لازم آن خروج مسائل مهمی از علم اصول می شود [باینکه در آن از عوارض بحث شده است] تالی : اما اینله بدلیل عدم بحث از عوارض موضوع بسیار از مسائل از اصول خارج شود باطل است نتیجه : موضوع علم اصول ادله اربعه است .

وضعیت فیش:

خوب

متوسط

مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل: با تعریف عنوان موضوع و محمول نمی توان موضوع اصول را ادله اربعه نامید. شماره صفحه: ...۹۰۰

نوع محتوای فیش:

تعریف

تقسیم

برهان

متن فیش:

و رجوع البحث فیہما - فی الحقیقة -
 إلى البحث عن ثبوت السنة بخبر الواحد ، فی مسألة حجیة الخبر - كما
 أفید - (۳) وبأی الخبرین فی باب التعارض ، فإنه أيضاً بحث فی الحقیقة عن
 حجیة الخبر فی هذا الحال غیر مفید ، فان البحث عن ثبوت الموضوع ، وما
 هو مفاد كان التامة ، لیس بحثاً عن عوارضه ، فإنها مفاد كان الناقصة .
 لا یقال : هذا فی الثبوت الواقعی ، وأما الثبوت التعبدي - كما هو

المهم فی هذه المباحث - فهو فی الحقیقة یكون مفاد كان الناقصة .

فإنه یقال : نعم ، لكنه مما لا یعرض السنة ، بل الخبر الحاکی لها ،
 فإن الثبوت التعبدي یرجع الی وجوب العمل علی طبق الخبر كالسنة المحکیة
 به ، وهذا من عوارضه لا عوارضها ، كما لا یخفی .

وبالجملة : الثبوت الواقعی لیس من العوارض ، والتعبدي وإن كان

منها ، إلا أنه لیس للسنة ، بل للخبر ، فتأمل جیداً .

تقریر:

سخن افشاری در رابطه با موضوع اصول تعدد جمعی در رد :

صغیر: اگر موضوع را سنت اسلامی قرار دهیم در این صورت می شود قول المعصوم هل یبیت بعیر زراره ام لا

رد موضوع اصول می شود قول فعل ، تعدد معصوم (یعنی ادله اربعه) پس در مصیبت حجیت خبر واحد شری

مصیبت از عوارض سنت اسلامی است و محمول بیهت ام لا یبیت است

کبری: عدم اعتماد فرمایند: اگر مسئله را از ثبوت و ثبوت واقعی است در این صورت بحسب عوارض معصوم سنت بلکه مصیبت محقق

و عدم تحقق است اما از منظر ثبوت تعبیدی است در این صورت بحسب از عوارض است اما معصوم T ناسنت

است یعنی نقل زراره / نتیجه: با تعریف موضوع و محمول نمی توان موضوع اصول را ادله اربعه نامید.

وضعیت فیش:

خوب

متوسط

مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل: هر مقصود از سنت حکام با روایات اهل قبل [و چه معنی اعم از حکام و معتمدان است] موضوع اصول شماره صفحه: ...۹.

برادرم در بزم داشت [بانه در وقت تفریح]

نوع محتوای فیش:

تعریف

تقسیم

برهان

متن فیش:

وَأَمَّا إِذَا كَانَ الْمُرَادُ (۱) مِنَ السَّنَةِ مَا يَعْمُ حِكَايَتَهَا ، فَلَأَنَّ الْبَحْثَ فِي تِلْكَ الْمُبَاحِثِ وَإِنْ كَانَ عَنْ أَحْوَالِ السَّنَةِ بِهَذَا الْمَعْنَى ، إِلَّا أَنَّ الْبَحْثَ فِي غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ مَسَائِلِهَا ، كَمُبَاحِثِ الْأَلْفَاظِ ، وَجُمْلَةٍ مِنْ غَيْرِهَا ، لَا يَخْصُ الْأَدْلَةَ ، بَلْ يَعْمُ غَيْرَهَا ، وَإِنْ كَانَ الْمَهْمُ مَعْرِفَةَ أَحْوَالِ خُصُوصِهَا ، كَمَا لَا يَخْفَى .

تقریر: x بر فرض اعم بودن سنت حکام و معتمدان

صفت: سنت به معنای اعم آن موضوع اصول است

کسب: بسیاری از مبایعات لعقلیه و عقلمیه اصول بر عقلی به معنی سنت ندارد

نکته: بدلیل ارتباط سنت با بسیاری از مبایعات اصول نفسی توان آن را موضوع اصول قلمداد کرد

وضعیت فیش:

خوب

متوسط

مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل: اصول؛ صناعتی است که بواسطه آن قواعدی را می‌سازد که یا در طریق استنباط یا در مقام عمل به کار می‌آید. شماره صفحه: ۹۰۰...

نوع محتوای فیش:

تعریف

تقسیم

برهان

متن فیش:

ویژگی ذلك تعريف الأصول ، بأنه (العلم بالقواعد الممهدة لاستنباط الأحكام الشرعية)، وإن كان الأولى تعريفه بأنه (صناعة يعرف بها القواعد التي يمكن أن تقع في طريق استنباط الأحكام ، أو التي ينتهي إليها في مقام العمل) ^{تصرف} كبناءً على أن مسألة حجية الظن على الحكومة ، ومسائل الأصول العملية في الشبهات الحكمية من الأصول ، كما هو كذلك ؛ ضرورة أنه لا وجه للالتزام الاستطراد في مثل هذه المهمات .

تقریر: صحت درجه دستیابی به مفیدی برای اینست عدم ادله اربعه بعنوان مرفوع اصول به بررسی تعریف علم اصول و پر از دانسته آن

شماره ای به ادله اربعه شده است .

جنس : قواعد معرفتی

محل : طریق استنباط - در مقام عمل به آن مستعمل می‌شود [قواعد]

نوع : صناعت و فن

اماره عرفی آخوند در صودت در تعریف است! مسائل حجت منن علی الملوفه و اصول عملیه در شیهت هلدیه خبر مسائل اصول هستند .

وضعیت فیش:

خوب

متوسط

مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

امارات/قطع (ص ۲۵۷)

۱. بیان بعضی از احکام قطع

وقبل الخوض في ذلك لا بأس بصرف الكلام إلى بيان بعض ما للقطع من الأحكام وإن كان خارجاً من مسائل الفن وكان أشبه بمسائل الكلام لشدة مناسبه مع المقام.

قبل از ورود به بحث، بد نیست بعضی از احکام قطع را بیان نماییم، اگر چه خارج از مسائل علم اصول می باشند و بیشتر شبیه به مسائل علم کلام هستند، به خاطر بسیار مناسب بودنشان با این جایگاه.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۱. سه مرحله در رسیدن به حکم

فاعلم أن البالغ الذي وضع عليه القلم إذا التفت إلى حكم فعلي واقعي أو ظاهري متعلق به أو بمقلديه فإما أن يحصل له القطع به أو لا وعلى الثاني لا بد من انتهائه إلى ما استقل به العقل من اتباع الظن لو حصل له وقد تمت مقدمات الانسداد على تقرير الحكومة وإلا فالرجوع إلى الأصول العقلية من البراءة والاشتغال والتخيير على تفصيل يأتي في محله إن شاء الله تعالى.

پس بدان که: مجتهدی که بلوغ جهد را به انجام رسانده است، هنگامی که متوجه حکم بالفعل واقعی یا ظاهری می شود که متعلق به خود او یا به مقلدینش می باشد، یا برای او قطع به آن حکم حاصل می شود یا خیر، و در صورت دوم ناگزیر است آن را به آن چه که عقل مستقلاً به آن می رسد (از تبعیت ظن) ختم کند (اگر برای او چنین چیزی حاصل شود، مقدمات انسداد نیز بر اساس حکومت تمام شد) در غیر این صورت باید به اصول عقلیه رجوع کند، از براهت و اشتغال و تخيير، بر تفصیلی که در جای خود گفته خواهد شد، ان شاء الله.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۲. تغییر محدودی صدق متعلق حکم

و إنما عمنا متعلق القطع لعدم اختصاص أحكامه بما إذا كان متعلقاً بالأحكام الواقعية و خصصنا بالفعل لاختصاصها بما إذا كان متعلقاً به على ما سنطلع عليه و لذلك عدلنا عما في رسالة شيخنا العلامة أعلى الله مقامه من تثليث الأقسام.

ما متعلق قطع را عام کردیم به جهت عدم اختصاص احکام قطع به جای که متعلق به احکام واقعی باشند. از طرف دیگر متعلق قطع را خاص کردیم به احکام بالفعل، به خاطر اختصاص حکم به متعلقی که اطلاع بر حکم آن خواسته شده است (که این متعلق حتماً بالفعل بوده است که مجتهد با آن مواجه شده است). به این جهت از تقسیم سه گانه‌ای که در رساله‌ی شیخ (انصاری) بوده عدول کردیم.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۳. بیان دیگر در راه‌های سه‌گانه‌ی رسیدن به حکم

وإن أبيت إلا عن ذلك فالأولى أن يقال إن المكلف إما أن يحصل له القطع أو لا وعلى الثاني إما أن يقوم عنده طريق معتبر أو لا لئلا تتداخل الأقسام فيما يذكر لها من الأحكام و مرجعه على الأخير إلى القواعد المقررة عقلاً أو نقلاً لغير القاطع و من يقوم عنده الطريق على تفصيل يأتي في محله إن شاء الله تعالى حسب ما يقتضي دليلها.

اگر از این مطلب بگذریم، اولی این است که گفته شود: برای مکلف یا قطع حاصل می‌شود یا خیر، بر فرض دوّم یا راه معتبری (یعنی راهی ظنی که شارع به آن اعتبار قطع داده باشد) در نزد او اقامه می‌شود یا خیر.

این گونه تقسیم کردیم تا اقسام در هم متداخل نشوند. در حالت آخر (این که راه معتبری هم پیدا نشود) رجوع به

قواعدی می‌شود که عقلاً یا نقلاً برای غیر قاطع و کسی که طریقی برایش اقامه شده است، مقرر شده، تفصیل آن در محلّش خواهد آمد. حکم، آن گونه خواهد بود که دلیل این قواعد بر آن اقتضاء کند.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۴. وجوب عقلی عمل به قطع

و کیف کان فبیان أحكام القطع و أقسامه یستدعی رسم أمور.

الأمر الأول لا شبهة فی وجوب العمل علی وفق القطع عقلاً

و لزوم الحركة علی طبقه جزماً

در هر صورت، بیان احکام قطع و اقسام آن نیازمند به طرح چند مسأله است:

۱. عقلاً شکی نیست که عمل طبق قطع واجب است و حرکت بر طبق آن لازم می باشد

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۵. معذریّت و منجزیّت قطع

و كونه موجبا لتنجز التكليف الفعلي فيما أصاب باستحقاق الذم والعقاب على مخالفته و عذرا فيما أخطأ قصورا و تأثيره في ذلك

و قطع در جایی که مخالفت، استحقاق ذمّ و عقاب می آورد، سبب تنجز تکلیف بالفعل می شود و در جایی که بر اثر کوتاهی و قصور به خطا رفته باشد موجب عذر می گردد.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۶. وجدانی بودن معذریّت و منجزیّت قطع

لازم و صریح الوجدان به شاهد و حاکم فلا حاجة إلى مزید بیان و إقامة برهان.

تأثیر قطع در این مطلب به نحو لزوم است و وجدان صریح شاهد و حاکم بر این مطلب است. پس نیازی به بیان بیشتر و اقامه‌ی برهان نیست.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۶/۱. منجزیت قطع به جعل جاعل نیست

و لا یخفی أن ذلك لا یكون بجعل جاعل لعدم جعل تألیفی حقيقة بین الشيء و لوازمه بل عرضا بتبع جعله بسیطا.
پوشیده نیست که این منجزیت و معذرت به جعل جاعلی پیدا نشده است، چرا که بین شیء و لوازم آن حقیقتاً
جعلی وجود ندارد.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۶/۲. منع از منجزیت قطع ممتنع است

و بذلك انقدح امتناع المنع عن تأثیره أيضا مع أنه يلزم منه اجتماع الضدين اعتقادا مطلقا و حقيقة في صورة الإصابة كما لا يخفى.

با توجه به این نکته روشن می شود که منع از تأثیر قطع هم ممتنع است. ضمن این که لازمه‌ی این منع، اجتماع ضدین در اعتقاد (در هر صورت) یا اجتماع ضدین در حقیقت است (در صورت اصابت قطع به واقع).

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۷. تشرایط تنجّز تکلیف

ثم لا يذهب عليك أن التكليف ما لم يبلغ مرتبة البعث و الزجر لم يصير فعليا و ما لم يصير فعليا لم يكذب يبلغ مرتبة التنجّز و استحقاق العقوبة على المخالفة و إن كان ربما يوجب موافقته استحقاق المشوثة فراموش نکرده‌ای که تکلیف، تا به مرتبه‌ی برانگیختن (در اوامر) و برحذر داشتن (در نواهی) نرسد و تا بالفعل نشود، به مرتبه‌ی تنجّز و استحقاق عقوبت بر مخالفت نمی‌رسد، اگر چه ممکن است موافقت با آن استحقاق ثواب داشته باشد (در مستحبات یا مکروهات).

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۷/۱. علّت معلق بودن تنجّز به فعلیّت حکم

و ذلك لأن الحكم ما لم يبلغ تلك المرتبة لم يكن حقيقة بأمر ولا نهي ولا مخالفة عن عمد بعضيان بل كان مما سكت الله عنه كما في الخبر فلاحظ و تدبر.

این به آن جهت است که حکم تا به این مرحله نرسد حقیقتاً تبدیل به امر یا نهی نمی شود و مخالفت تعمّدی با آن عصیان محسوب نمی گردد. بلکه از آن چیزهایی است که خداوند در آن سکوت اختیار کرده، آن گونه که در روایت وارد شده، پس ملاحظه و دقت کن!

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۷/۲. اشکال لزوم اجتماع ضدین در تکالیف جاهل

نعم في كونه بهذه المرتبة موردا للوظائف المقررة شرعا للجاهل إشكال لزوم اجتماع الضدين أو المثليين على ما يأتي تفصيله إن شاء الله تعالى مع ما هو التحقيق في دفعه في التوفيق بين الحكم الواقعي و الظاهري فانتظر.

الأمر الثاني

بله، در این که در این مرتبه مورد وظایف مقرره‌ی شرعی بر جاهل داخل می‌شود، اشکال لزوم اجتماع ضدین یا مثلیین وارد است، که تفصیل این اشکال و پاسخ آن با تفصیل حکم واقعی از حکم ظاهری خواهد آمد، پس منتظر باش!

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸ بررسی تنجّز و تعدّر در قطع خلاف واقع

قد عرفت أنه لا شبهة في أن القطع يوجب استحقاق العقوبة على المخالفة و المثوبة على الموافقة في صورة الإصابة فهل يوجب استحقاقها في صورة عدم الإصابة على التجري بمخالفته و استحقاق المثوبة على الانقياد بموافقه أو لا يوجب شيئاً.

۲. دانستی که شکّی نیست در قطعی که به واقع اصابت کند، استحقاق عقوبت در مخالفت و استحقاق ثواب در موافقت هست. اما آیا در صورت عدم اصابت قطع به واقع نیز مطلب همین گونه است؟ یعنی استحقاق عقاب در «تجرّی» بر مخالفت و استحقاق ثواب در «انقیاد» بر موافقت؟ یا موجب هیچ چیزی نمی شود؟

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۱. به شهادت وجدان، قطع خلاف واقع نیز منجز است

الحق أنه یوجب له شهادة الوجدان بصحة مؤاخذته و ذمه علی تجریه و هتکه لحرمة مولاہ و خروجه عن رسوم عبودیتہ و کونه بصدد الطغیان و عزمه علی العصیان و صحة مثبتته و مدحه علی قیامه بما هو قضیة عبودیتہ من العزم علی موافقته و البناء علی إطاعته

حق این است که موجب استحقاق می شود، به سبب شهادت وجدان بر صحت مؤاخذه‌ی بر آن و ذمّ بر تجزّی و هتک حرمت مولا و خروج از آداب عبودیت و طغیان و سرکشی و غرض عصیان او. همچنین به سبب شهادت وجدان بر صحیح بودن ثواب و مدح او بر اقامه‌ی آن عمل به عنوان عملی که در راستای عبودیتش بوده است از عزم بر موافقت و بناء بر اطاعت او.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۲. عدم جواز عقاب به مجرد بدی نیت

و إن قلنا بأنه لا يستحق مؤاخذه أو مثوبة ما لم يعزم على المخالفة أو الموافقة بمجرد سوء سريره أو حسنها وإن كان مستحقاً للوم أو المدح بما يستتبعانه كسائر الصفات والأخلاق الذميمة أو الحسنة. وبالجملة ما دامت فيه صفة كامنة لا يستحق بها إلا مدحاً أو لوماً وإنما يستحق الجزاء بالثبوت أو العقوبة مضافاً إلى أحدهما إذا صار بصدد الجري على طبقها والعمل على وفقها وجزم وعزم وذلك لعدم صحة مؤاخذه بمجرد سوء سريره من دون ذلك و حسنها معه كما يشهد به مراجعة الوجدان الحاکم بالاستقلال في مثل باب الإطاعة والعصيان وما يستتبعان من استحقاق النيران أو الجنان.

اگر چه گفتیم که هیچ کس به مجرد نیت بد یا نیت نیک، مادامی که عزم بر مخالفت یا موافقت نکرده باشد، مستحق مؤاخذه یا ثواب نیست، حتی اگر مستحق سرزنش یا مدح باشد. در مجموع: مادامی که تخلف یا اطاعت صفتی پنهان در مکلف باشد، مستحق هیچ چیز نیست مگر مدح یا سرزنش. تنها زمانی مستحق جزاء به عقاب یا ثواب است که مضاف بر این نیت پنهان، در صدد تجزی از متابعت آن باشد یا در صدد عمل بر وفق آن. و این همه به جهت عدم صحّت مؤاخذهی اوست به مجرد بدی نیتش بنا بر شهادت وجدان و وجدان حکم می کند به استحقاق جهنم یا بهشت برای اقدام به اطاعت یا عصیان.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۳. شرط «عدم تغییر حُسن و قبح» در تجرّی

و لكن ذلك مع بقاء الفعل المتجرى به أو المنقاد به على ما هو عليه من الحسن أو القبح والوجوب أو الحرمة واقعا بلا حدوث تفاوت فيه

البته آن چه گفته شد بر فرض باقی ماندن حُسن یا قبح و وجوب یا حرمت واقعی در فعل مورد تجرّی یا مورد انقیاد است، بدون این که تفاوتی در آن پیدا شود. تفاوت به جهت تعلق قطع به حکم یا وصفی که غیر حُسن و قبح مزبور است (و سبب زوال یا تغییر حُسن و قبح یا وجوب و حرمت می شود)، و باید که جهت حُسن یا قبح متعلق قطع به جهت آن وصف تغییر نکند.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۳/۱. «قطع» به چیزی واقعیت را تغییر نمی دهد

بسبب تعلق القطع بغير ما هو عليه من الحكم والصفة ولا يغير جهة حسنه أو قبحه بجهته أصلاً ضرورة أن القطع بالحسن أو القبح لا يكون من الوجوه والاعتبارات التي بها يكون الحسن والقبح عقلاً ولا ملاكاً للمحبوبية والمبغوضية شرعاً ضرورة عدم تغير الفعل عما هو عليه من المبغوضية والمحبوبية للمولى بسبب قطع العبد بكونه محبوباً أو مبغوضاً له به این جهت که «قطع» به حُسن یا قبح، حُسن و قبح عقلی پدید نمی آورد و سبب محبوبیت و مبغوضیت واقعی فعل نزد شارع نمی شود. چرا که به سبب «قطع» مکلف به مبغوضیت فعل نزد مولا، حقیقتاً در نزد مولا آن فعل مبغوض نمی شود.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۳/۱/۱. مثالی برای این مطلب

فقتل ابن المولی لا یکاد یخرج عن کونه مبعوضاً له و لو اعتقد العبد بأنه عدوه و کذا قتل عدوه مع القطع بأنه ابنه لا یخرج عن کونه محبوباً أبداً.

به عنوان مثال، در کشتن پسر مولا توسط عبدی که تصوّر کرده او دشمن مولا است، «تصوّر عبد» این فعل را از مبعوضیت نزد مولا خارج نمی‌کند.

همچنین در کشتن دشمن مولا توسط عبدی که می‌پندارد او پسر مولا است و از روی عمد «بغضاً لمولاه» آن شخص را می‌کشد، این «تصوّر خطای عبد»، کشته شدن دشمن را نزد مولا از محبوبیت خارج نمی‌سازد.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۴. شرط «اختیاری نبودن» در تجرّی

هذا مع أن الفعل المتجرأ به أو المنقاد به بما هو مقطوع الحرمة أو الوجوب لا يكون اختياريًا فإن القاطع لا يقصده إلا بما قطع أنه عليه من عنوانه الواقعي الاستقلالي لا بعنوانه الطارئ الآلي بل لا يكون غالبًا بهذا العنوان مما يلتفت إليه فكيف يكون من جهات الحسن أو القبح عقلا ومن مناطات الوجوب أو الحرمة شرعا ولا يكاد يكون صفة موجبة لذلك إلا إذا كانت اختيارية.

این در زمانی است که «فعل» مورد تجرّی یا انقیاد، از این جهت که به حرمت یا وجوب آن قطع پیدا شده، «اختیاری» نباشد (عمل به آن ضروری و جبری باشد). اگر قاطع قصد آن فعل را کرده است، به عنوان یک وجوب یا حرمت واقعی مستقل باشد (که نمی تواند از آن صرف نظر کند، جبراً) نه به عنوان یک وسیله جهت وصول به وجوب یا حرمت. غالباً موارد این چنینی (که جبری نباشد) مورد توجه هم قرار نمی گیرند. در غیر این صورت چگونه می توانیم این «فعل» را مصداق حُسن و قبح عقلی به حساب آوریم؟ یا این «فعل» را از مناطهای وجوب و حرمت شرعی (یعنی شاخصه‌ی حصول به وجوب و حرمت)؟ اگر چه وصفی که موجب این فعل است (یعنی واجب کننده‌ی این فعل) اختیاری است.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۴/۱. اشکال به نبود وجهی برای عقاب در صورت اختیاری نبودن فعل

إن قلت إذا لم یکن الفعل كذلك فلا وجه لاستحقاق العقوبة علی مخالفة القطع وهل كان العقاب علیها إلا عقاباً علی ما لیس بالاختیار.

اگر اشکال شود: اگر فعل اختیاری نباشد، وجهی برای استحقاق عقاب برای مخالفت قطع وجود نخواهد داشت. آیا عقاب بر این فعل به معنای عقاب بر چیزی که خارج از اختیار بوده است نیست؟

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۴/۱/۱. پاسخ اشکال به تعلق عقاب به «قصد» عصیان

قلت العقاب إنما يكون على قصد العصيان و العزم على الطغیان لا على الفعل الصادر بهذا العنوان بلا اختیار.

پاسخ می‌دهم: عقاب به جهت «قصد» عصیان و اراده بر طغیان است نه به خاطر فعلی که بی اختیار صادر شده است.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۴/۲. اشکال به اختیاری نبودن قصد و اراده

إن قلت إن القصد و العزم إنما یكون من مبادي الاختیار و هی لیست باختيارية و إلتسلسل.

اگر اشکال شود: قصد و اراده از مبادی اختیار است و خودش اختیاری نیست. چون اگر خودش اختیاری باشد تسلسل

پیدا می شود (زیرا خودش هم قصد و اراده‌ی دیگری به عنوان مبادی می خواهد).

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۴/۲/۱. پاسخ اشکال به اختیاری بودن این اختیار

قلت مضافا إلى أن الاختیار و إن لم یکن بالاختیار إلا أن بعض مبادیه غالباً یكون وجوده بالاختیار للتمكن من عدمه بالتأمل فیا یترتب علی ما عزم علیه من تبعه العقوبة و اللوم و المذمة

پاسخ می‌دهم: مضاف بر این که اختیار، اگر چه خودش اختیاری نیست، لکن بعضی از مبادی آن سبب اختیاری شدن وجود آن اختیار می‌شوند. برای این که با تأمل در عقوبت، سرزنش و ملامتی که بر عزم و اراده‌ی بر اختیار مترتب می‌شود، نمی‌توان خود آن اختیار را اختیاری ندانست!

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۴/۲/۲. علّت ذاتی عقوبت «بُعد» است

یمكن أن يقال إن حسن المؤاخذه و العقوبة إنما يكون من تبعه بعده عن سيده بتجربه عليه كما كان من تبعته بالعصيان في صورة المصادفة فكما أنه يوجب البعد عنه كذلك لا غرو في أن يوجب حسن العقوبة فإنه و إن لم يكن باختياره إلا أنه بسوء سربرته و خبت باطنه بحسب نقصانه و اقتضاء استعداده ذاتا و إمكانه و إذا انتهى الأمر إليه يرتفع الإشكال و ينقطع السؤال بلم فإن الذاتيات ضروري الثبوت للذات.

از سوی دیگر کسی می تواند بگوید (گویا این کس خود آخوند باشد): مؤاخذه و عقوبت به خاطر دور شدن شخص از مولایش است که علّت این دوری، تجزّی او بوده است، همان طور که در عصیان (گناه، یعنی جایی که قطع مصادف با واقع شده باشد) موجب بُعد می شود.

در این حالت دیگر اشکالی در این مطلب نیست که در عین اختیاری نبودن «فعل»، استحقاق عقاب وجود دارد (پاورقی خود صاحب کفایه: چگونه نباشد و حال این که معصیتی که سبب استحقاق عقوبت شده غیر اختیاری است، این مخالفتی عمدی است، اختیاری هم نیست، به این جهت که تعمد به این کار اختیاری نیست. تنها خود مخالفت اختیاری است که این هم موجب استحقاق عقوبت نمی شود. آن چه موجب استحقاق عقوبت می شود تعمد در آن است. این بر صاحبان خرد پوشیده نیست)، چرا که این عقاب به علّت زشتی باطن و بد طینتی اش می باشد که این بد طینتی به اعتبار نقصی که دارد و استعدادی که «ذاتاً» برای عقاب دارد و امکان عقاب نیز بر آن وجود دارد، مستحق عقاب است. هنگامی که به یک امر «ذاتی» رسیدیم دیگر اشکال رفع شده و پرسیدن با «چرا؟» (از علّت شیء) متوقف می شود، چه این که «ذاتیات برای ذات ضروری الثبوت هستند».

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

عَلَّتْ عَصِيَانُ كَافِرٍ وَ عَلَّتْ اطَاعَتُ مَوْمِنٍ ۱/۸/۴/۲/۲/۱

و بذلك أيضا ينقطع السؤال عن أنه لم اختار الكافر و العاصي الكفر و العصيان و المطيع و المؤمن الإطاعة و الإيمان فإنه يساوق السؤال عن أن الحمار لم يكون ناهقا و الإنسان لم يكون ناطقا.

و بالجمله تفاوت أفراد الإنسان في القرب منه تعالى و البعد عنه سبب لاختلافها في استحقاق الجنة و درجاتها و النار و دركاتهما و موجب لتفاوتها في نيل الشفاعة و عدم نيلها و تفاوتها في ذلك بالأخرة يكون ذاتيا و الذاتي لا يعلل.

به همین صورت، این سؤال نیز متوقف می شود که چرا کافر و عاصی کفر و عصیان را بر می گزیند؟ و مؤمن ایمان و اطاعت را؟ این سؤال برابر است با این که پرسیده شود چرا الآغ عَرَعَر می کند؟ و چرا انسان ناطق است؟

در مجموع: تفاوت افراد انسان در نزدیک بودن به خدا و دور بودن از او، سبب اختلاف آن ها در استحقاق بهشت و جهنم است. این تفاوت در نتیجه، ذاتی است و «الذاتي لا يُعَلَّل».

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۴/۲/۲/۱/۱. اشکال به لغویت دعوت پیامبران

إن قلت علی هذا فلا فائدة فی بعث الرسل و إنزال الكتب و الوعظ و الإنذار.

قلت ذلك لینتفع به من حسنت سریرته و طابت طینته لتکمل به نفسه و یخلص مع ربه أنسه ما کنا لنهتدی لو لا أن هدینا الله قال الله تبارک و تعالی. و ذکر فإن الذکری تنفع المؤمنین و لیكون حجة علی من ساءت سریرته و خبثت طینته لیهلک من هلک عن بینة و یحیی من حی عن بینة کیلا یكون للناس علی الله حجة بل کان له حجة بالغة.

اگر اشکال کنی که: بر این اساس، دیگر فایده‌ای در برانگیختن پیامبران و فروفرستادن کتاب‌ها و موعظه‌ها و ترساندن‌ها نیست!

پاسخ می‌دهم: این‌ها برای نفع رساندن به کسی است که خوش طینت است و نیکو سیرت، تا با آن‌ها نفس خود را به کمال رساند و آنس خود را با پروردگارش خالص‌تر سازد. «ما کُنَّا لنهتدی لولا أن هدانا الله» (ما کسی نبودیم که هدایت شویم اگر خدا ما را هدایت نمی‌کرد). خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «و ذَکَّرْ فَإِنَّ الذِّکْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِیْنَ» (تذکر بده که تذکر به مؤمنین نفع می‌رساند).

از طرف دیگر برای این است که «حجتی» باشد بر کسی که بد طینت است و زشت باطن، تا آن‌که را هلاک می‌نماید بر بیته و شاهدی استوار باشد تا مردم بر خداوند حجتی نداشته باشند، بلکه برای خدا حجتی بالغه موجود باشد.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۴/۲/۲/۱/۱. شهادت آیات و روایات بر این حکم وجدانی

و لا یخفی أن فی الآیات و الروایات شهادة علی صحة ما حکم به الوجدان الحاکم علی الإطلاق فی باب الاستحقاق للعقوبة و المثوبة

پوشیده نیست که در آیات و روایات، شاهدهایی بر صحت آن چه وجدان حکم کرد در مورد استحقاق عقاب و ثواب، وجدانی که حاکم علی الاطلاق است، وجود دارد.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۴/۲/۲/۱/۲. استدلال دیگری بر این حکم وجدانی

و معه لا حاجة إلى ما استدل علی استحقاق المتجری للعقاب بما حاصله أنه لولاه مع استحقاق العاصي له يلزم إناطة استحقاق العقوبة بما هو خارج عن الاختيار من مصادفة قطعه الخارجة عن تحت قدرته و اختیاره مع بطلانه و فسادة إذ للخصم أن يقول بأن استحقاق العاصي دونه إنما هو لتحقق سبب الاستحقاق فيه و هو مخالفته عن عمد و اختيار و عدم تحققه فيه لعدم مخالفته أصلاً و لو بلا اختيار بل عدم صدور فعل منه في بعض أفراده بالاختيار كما في التجري بارتكاب ما قطع أنه من مصاديق الحرام كما إذا قطع مثلاً بأن مائعا خمر مع أنه لم يكن بالخمير فيحتاج إلى إثبات أن المخالفة الاعتقادية سبب كالواقعية الاختيارية كما عرفت بما لا مزيد عليه.

با وجود این حکم وجدانی نیازی به استدلال بر استحقاق متجری بر عقاب نیست (آن گونه که محقق سبزواری استدلال آورده است)، به این که: اگر متجری مستحق عقوبت نباشد معنایش این است که گناه کار هم اگر مستحق عقاب است، این استحقاق به جهت امری است که «خارج از اختیار» اوست، این که قطع او با خارج «مطابقت» پیدا کرده علت عقاب او شده است، که تحت قدرت و اختیار او هم نبوده است. این مطلب باطل و فاسد است. چرا که مخاطب می تواند بگوید استحقاق عاصی بر عقاب که به جهت این تطابق با واقع نیست بلکه به جهت «تحقق سبب استحقاق» در اوست و این سبب در حقیقت «مخالفت از روی عمد و اختیار» است: در متجری هم مخالفت با حکم واقعی صورت نگرفته است تا استحقاق عقاب پیدا شود، حتی اگر بگوییم بدون اختیار تجری صورت گرفته باشد، بلکه در بعض افراد هم به اختیار صورت نمی گیرد. مانند تجری به ارتکاب عملی که قطع به حرمت آن دارد، در حالی که قطع به خمر بودن مایعی دارد آن را بیاشامد، با این که احتمال خمر نبودن هم در واقع هست.

پس نیاز است اثبات شود که مخالفت اعتقادی (یعنی اعتقاد به مخالفت) نیز مانند مخالفت واقعی اختیاریه، سبب استحقاق عقاب می شود، همان طور که دانستی و توضیح بیشتر هم نمی خواهد.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۸/۴/۲/۲/۱/۳. استحقاق «یک» عقاب برای «یک» معصیت

ثم لا يذهب عليك أنه ليس في المعصية الحقيقية إلا منشأ واحد لاستحقاق العقوبة وهو هتك واحد فلا وجه لاستحقاق عقابين متداخلين كما توهم مع ضرورة أن المعصية الواحدة لا توجب إلا عقوبة واحدة كما لا وجه لتداخلها على تقدير استحقاقها كما لا يخفى.

فراموش نکرده‌ای که: در معصیت حقیقی (یعنی هم اعتقاد به حرمت باشد و هم در واقع حرام باشد) تنها یک منشأ برای استحقاق عقاب وجود دارد و او هتک حرمت واحدی است که رُخ داده است. هیچ وجهی هم برای استحقاق دو عقاب که متداخل باشند، آن طور که بعضی توهم کرده‌اند، وجود ندارد (یعنی بعضی تصور کرده‌اند اگر تجزّی مستوجب عقاب باشد پس در معصیت واقعی باید دو بار انسان عقاب شود یک بار به خاطر تجزّی و یک بار به خاطر معصیت، که در هم ادغام می‌شوند).

ضرورتاً هر معصیت واحده‌ای عقوبت واحده‌ای دارد. بر فرض این هم که دو استحقاق عقاب پیدا شود، هیچ دلیلی بر این که در هم ادغام شوند (و یک بار عقاب شود) وجود ندارد. این مطلب پوشیده نیست.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۳/۱/۲/۲/۴/۸/۱. منشأ قول به استحقاق دو عقاب

ولا منشأ لتوهم إلا بداهة أنه ليس في معصية واحدة إلا عقوبة واحدة مع الغفلة عن أن وحدة المسبب تكشف بنحو الإن عن وحدة السبب.

هیچ منشأ بروز توهم هم وجود ندارد، مگر این که کسی با دانستن این که بدیهی است در «یک» معصیت تنها «یک» عقوبت وجود دارد، غفلت کند از این که «وحدت مسبب» به نحو «اِتی» کاشف از «وحدت سبب» است (یعنی اگر یک عقوبت هست برای معصیت، پس منشأ عقوبت هم یکی بوده است نه این که دو تا بوده و در هم ادغام شده).

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

في حجیه الاجماع المنقول (ص ۲۸۷)

۱. انسداد باب علم به لغات

و کون موارد الحاجة إلى قول اللغوي أكثر من أن يحصى لانسداد باب العلم بتفاصيل المعاني غالباً بحيث يعلم بدخول الفرد المشكوك أو خروجه وإن كان المعنى معلوماً في الجملة

موارد نیاز به نظر عالم لغت بیشتر از آن است که شمارش شود، به جهت این که غالباً باب علم به تفصیل معنای لغات منسداً است، به گونه‌ای که داخل بودن فرد مشکوک و یا خارج بودن او از معنای لغت معلوم شود.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۲. عدم حجیت قول لغوی در صورت باز بودن باب علم

لا یوجب اعتبار قوله ما دام انفتاح باب العلم بالأحكام كما لا یخفی

تا زمانی که باب علم به احکام باز دانسته شود، اعتبار گفته‌ی او واجب نیست، که این امر پوشیده نیست.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۳. حجیّت قول لغوی در صورت بسته بودن باب علم
 و مع الانسداد کان قوله معتبرا إذا أفاد الظن من باب حجیة مطلق الظن و إن فرض انفتاح باب العلم باللغات بتفصیلهما فیما
 عدا المورد.
 ولی اگر باب علم مسدود باشد، اگر چه باب علم به لغات با تفصیلهشان در موارد دیگر باز باشد، از باب حجیّت مطلق
 ظنّ نظر او معتبر خواهد بود، اگر رأیش افاده‌ی ظنّ نماید.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۴. فرض وجود دلیل دیگری بر اعتبار قول لغوی

نعم لو كان هناك دليل على اعتباره لا يبعد أن يكون انسداد باب العلم بتفاصيل اللغات موجبا له على نحو الحكمة لا العلة. بله، اگر دلیل دیگری بر معتبر بودن نظر او وجود داشته باشد، بعید نیست که انسداد باب علم به تفصیل لغات بر سبیل «حکمت» موجب آن باشد نه به نحو «علت».

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۱/۵. اشکال به عدم فایده‌ی قول لغوی

لا يقال على هذا لا فائدة في الرجوع إلى اللغة.

فإنه يقال مع هذا لا تكاد تخفى الفائدة في المراجعة إليها فإنه ربما يوجب القطع بالمعنى وربما يوجب القطع بأن اللفظ في المورد ظاهر في معنى بعد الظفر به وبغيره في اللغة وإن لم يقطع بأنه حقيقة فيه أو مجاز كما اتفق كثيرا وهو يكفي في الفتوى.

این اشکال قابل طرح نیست که در این حالت فایده‌ای در رجوع به لغت وجود ندارد.

چرا که پاسخ داده می‌شود: باز هم فایده‌ی رجوع به لغت روشن است، چه این که ممکن است موجب قطع به معنا شود و یا قطع به این که لفظ در این مورد خاص ظهور در معنای مشخصی دارد، بعد از این که در لغت آن معنا و معناهای دیگری یافت شد، اگر چه قطع پیدا نشده باشد به این که آن لغت حقیقت در آن معناست یا مجاز، که بسیار هم اتفاق می‌افتد، در حالی که همین ظهور، از باب حجیت مطلق ظن، در فتوا دادن کافی است.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

تصویب (ص ۴۶۸)

۱. اتفاق همگان در تخطئه عقلیات

اتفقت الكلمة على التخطئة في العقليات

تخطئه در امور عقلی مورد اتفاق همگان است (یعنی همه می پذیرند که در امور عقلی یک واقعی و رای ذهن ما وجود دارد و آن چه در ذهن وجود دارد اگر مطابق آن باشد صحیح و اگر مخالف آن باشد خطاست، این نیست که تصورات ذهنی ما نفس حقیقت باشد).

تقریر:

وضعیّت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۲. اختلاف در تخطئه در شرعیات

و اختلفت في الشرعیات

اما این بحث در مسائل شرعی مورد اختلاف واقع شده است.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۲/۱. نظر فقهای شیعه در باب تخطئه

فقال أصحابنا بالتخطئة فيها أيضا وأن له تبارك و تعالی فی كل مسألة حکم يؤدي إليه الاجتهاد تارة و إلى غيره أخرى. ياران ما (فقهای شیعه) در آن نیز قائل به تخطئه هستند و قائل به این هستند که خدای تبارک و تعالی در هر مسأله‌ای حکمی دارد که اجتهاد گاهی به آن دست پیدا می‌کند و گاهی به چیز دیگری غیر از آن می‌رسد.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۲/۲. نظر فقهای اهل سنت در باب تخطئه

وقال مخالفونا بالتصویب وأن له تعالی أحكاما بعدد آراء المجتهدين فما يؤدي إليه الاجتهاد هو حكمه تبارك و تعالی مخالفين ما (اهل سنت) قائل به تصویب شده‌اند و قائل به این که به تعداد نظرات و آراء مجتهدين برای خدا و در نزد او حکم وجود دارد، پس هر چه که اجتهاد بدان دست یابد همان حکم خدای تعالی خواهد بود.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۲/۲/۳/۱/۲. نگاه طریقی به روایات

نعم بناء على اعتبارها من باب الطريقية كما هو كذلك فمؤديات الطرق والأمارات المعتبرة ليست بأحكام حقيقية نفسية و لو قيل بكونها أحكاما طريقية و قد مر غير مرة إمكان منع كونها أحكاما كذلك أيضا و أن قضية حجيتها ليس إلا تنجيز مؤدياتها عند إصابتها و العذر عند خطائها فلا يكون حكم أصلا إلا الحكم الواقعي فيصير منجزا فيما قام عليه حجة من علم أو طريق معتبر و يكون غير منجز بل غير فعلي فيما لم تكن هناك حجة مصيبة فتأمل جيدا.

بله، اگر از باب طریقیت به روایات نگاه شود (که همین طور هم هست) راه‌های رساننده به حکم و امارات معتبره، احکام حقیقی نفسی نیستند، حتی اگر احکامی طریقی انگاشته شوند.

در مباحث قبلی گفته شد که طریقی بودن این احکام می‌تواند مورد منع واقع شود و حجیت یک قضیه چیزی نیست جز منجز شدن راه‌های وصول به آن قضیه هنگامی که به حکم دست پیدا کردیم و معذر بودن هنگام خطا.

هیچ حکمی نیست مگر آن که حکم واقعی باشد، که برای آن کسی که حجتی از علم یا راهی معتبر (یعنی شارع آن را پذیرفته و جانشین علم قرار داده) برای او اقامه شود منجز می‌شود و در جایی که حجت رساننده‌ای وجود ندارد غیر منجز و غیر فعلی می‌باشد. خوب دقت کن!

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۲/۲/۳/۱. صحیح بودن تصویب بودن به این معنا

۲/۲/۳/۱/۱. نگاه سببی به روایات

فلا استحالة في التصویب بهذا المعنی بل لا یحص عنه فی الجملة بناء على اعتبار الأخبار من باب السببية و الموضوعية كما لا یحیی و ربما یشیر إلیه ما اشتهرت بیننا أن ظنية الطريق لا ینافی قطیعة الحكم.

استحاله ای در تصویب به این معنا وجود ندارد. بلکه فی الجملة اصلاً گریزی از آن هم نیست، بنا بر این که روایات را از باب سببیت و موضوعیت فرض کنیم. این مطلب واضح است.

نزد ما (اصولیون) مشهور است که «ظنی بودن طریق منافاتی با قطعی بودن حکم ندارد».

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۲/۲/۳. فرض دوم در معنای از تصویب

و لو كان غرضهم منه الالتزام بإنشاء الأحكام على وفق آراء الأعلام بعد الاجتهاد فهو مما لا يكاد يعقل فكيف يتفحص عما لا يكون له عين ولا أثر أو يستظهر من الآية أو الخبر إلا أن يراد التصويب بالنسبة إلى الحكم الفعلي وأن المجتهد وإن كان يتفحص عما هو الحكم واقعا وإنشاء إلا أن ما أدى إليه اجتهاده يكون هو حكمه الفعلي حقيقة وهو مما يختلف باختلاف الآراء ضرورة ولا يشترك فيه الجاهل والعالم بداهة و ما يشتركان فيه ليس بحكم حقيقة بل إنشاء

اما اگر غرضشان التزام خدا به جعل احکام «بر طبق نظر بزرگان» بعد از اجتهاد باشد، این چیزی است که عقل نمی پذیرد. چگونه تفحص از چیزی شود یا چیزی از آیه و روایت استظهار شود که نه عینیتی دارد و نه اثری. مگر آن که تصویب نسبت به حکم فعلی (حکم محقق شده، نه این که بالقوه باشد) اراده شده باشد و مجتهد اگر چه به دنبال حکم واقعی است ولی آن چه که به آن می رسد حکم اوست که حقیقتاً فعلی می باشد و ضرورتاً به اختلاف آراء فرق می کند و جاهل و عالم بداهتاً در آن مشترک نیستند و آن چه که جاهل و عالم در آن مشترک هستند حقیقتاً حکم نیست بلکه جعل است (انشاء است).

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۲/۲/۲. فرض اول در معنای از تصویب

فلو كان غرضهم من التصویب هو الالتزام بإنشاء أحكام في الواقع بعدد الآراء بأن تكون الأحكام المؤدي إليها الاجتهادات أحكاماً واقعية كما هي ظاهرية فهو وإن كان خطأ من جهة تواتر الأخبار وإجماع أصحابنا الأخيار على أن له تبارك و تعالی في كل واقعة حكما يشترك فيه الكل إلا أنه غير محال

اگر غرض ایشان از تصویب، التزام خدا به جعل احکام به تعداد آراء در واقع باشد (به این که احکامی که اجتهادهای

فقها بدانها می انجامد احکامی واقعی باشند) که قطعاً غلط است چه از جهت تواتر در اخبار و چه از نظر اجماع یاران نیک ما که مبنی بر این است که برای خدا در هر واقعه ای حکمی که برای همه مشترک است. اگر چه این ادعایی که کرده اند محال نیست.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۳. تمایز علوم به اختلاف اغراض است

وقد انقذ بما ذكرنا أن تمايز العلوم إنما هو باختلاف الأغراض الداعية إلى التدوين لا الموضوعات ولا المحمولات وإلا كان كل باب بل كل مسألة من كل علم علماً على حدة كما هو واضح لمن كان له أدنى تأمل

با آن چه که گفته شد روشن گردید که تمایز علوم به اختلاف اغراضی است که ما را به سمت تدوین آن علوم می‌کشاند. تمایز علوم نه به موضوعات آنهاست و نه به محمولات آنها. در غیر این صورت، هر باب یا حتی هر مسأله از هر علمی برای خودش یک علم مستقلی می‌گردید. این مطلب برای هر کس که کمترین تأملی داشته باشد واضح است.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۳/۱. بی تأثیر بودن اختلاف در موضوع یا محمول

فلا یکون الاختلاف بحسب الموضوع أو المحمول موجبا للتعدد كما لا یکون وحدتها سببا لأن یکون من الواحد. پس اختلاف در موضوع یا محمول سبب تعدد علوم نمی شود (یک علم هم اگر موضوعات پراکنده داشته باشد پاره پاره نمی گردد) همانگونه که وحدت آنها نیز سبب واحد شدن دو علم نمی شود.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۳/۲. امکان اسم گذاری برای موضوع یک علم

ثم إنه ربما لا يكون لموضوع العلم وهو الكلي المتحد مع موضوعات المسائل عنوان خاص و اسم مخصوص فيصح أن يعبر عنه بكل ما دل عليه بداهة عدم دخل ذلك في موضوعيته أصلاً.

از سوی دیگر چه بسا موضوع علم (کلی‌ای که با همه‌ی موضوعات مسائل علم متحد است) عنوان و اسم مشخصی نداشته باشد. در این حالت صحیح است که با هر چه که دلالت بر آن نماید از آن تعبیر شود چرا که واضح است این کار اصلاً دخلی در موضوع بودن آن ندارد.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۴. موضوع علم اصول ادله اربعه نیست

وقد انقذ بذلك أن موضوع علم الأصول هو الكلي المنطبق على موضوعات مسائله المتشعبة لا خصوص الأدلة الأربعة بما هي أدلة بل ولا بما هي هي ضرورة أن البحث في غير واحد من مسائله المهمة ليس من عوارضها وهو واضح لو كان المراد بالسنة منها هو نفس قول المعصوم أو فعله أو تقريره كما هو المصطلح فيها

از این بحث روشن شد که موضوع علم اصول، کلی ای است که بر موضوعات مسائل پراکنده ای این علم تطبیق می کند. نه این که تنها ادله اربعه (از حیث دلیل بودنشان یا از حیث هویت خودشان) موضوع علم اصول باشد، به ضرورت این که در بیش از چند مسأله از مسائل علم اصول مباحثی مطرح می شود که از عوارض ادله اربعه نیست و روشن است که منظور از سنت، نفس قول معصوم (ع) است یا فعل یا تقریر او، آن چنان که در سنت مصطلح است.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۴/۱. تعارض و خبر واحد خارج از سنت است

لوضوح عدم البحث في كثير من مباحثها المهمة كعمدة مباحث التعادل والترجيح بل ومسألة حجیة خبر الواحد لا عنها ولا عن سائر الأدلة ورجوع البحث فيهما في الحقيقة إلى البحث عن ثبوت السنة بخبر الواحد في مسألة حجیة الخبر كما أفید و بأی الخبرین في باب التعارض فإنه أيضا بحث في الحقيقة عن حجیة الخبر في هذا الحال غير مفید.

به جهت این که واضح است در سنت بسیاری از مباحث نیست مانند بخش عمده‌ای از مباحث تعادل و ترجیح. حتی مسأله حجیت خبر واحد نیز نه از سنت است و نه از سایر ادله و در حقیقت این دو بحث (تعادل و ترجیح و حجیت خبر واحد) به بحث از «ثبوت» سنت در خبر واحد (در مسأله حجیت خبر واحد) و به بحث این که به «کدام» خبر عمل شود (در باب تعارض) باز می‌گردد و بحث حجیت خبر در حالت تعارض مفید نیست.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفاية الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۴/۳. تفکیک ثبوت حقیقی از ثبوت تعبدی

۴/۳/۱. اشکال به ادعای عارض نبودن اصول بر سنت

لا يقال هذا في الثبوت الواقعي و أما الثبوت التعبدی كما هو المهم في هذه المباحث فهو في الحقيقة يكون مفاد كان الناقصة. نمی توانید اشکال کنید که آن چه گفتی در ثبوت حقیقی است، لکن ثبوت تعبدی (همان گونه که غرض ما از مباحث علم اصول است) در حقیقت مفاد «کان ناقصه» است.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۴/۲. عارض شدن در «کان ناقصه» معنا دارد

فإن البحث عن ثبوت الموضوع و ما هو مفاد كان التامة ليس بحثاً عن عوارض فإنها مفاد كان الناقصة.

در نتیجه، بحث در «ثبوت» موضوع (که موضوع را سنت گرفتید) که مفاد «کان تامه» است (یعنی مانند هلیت بسیطه وجود را اثبات می‌کند) بحث از «عوارض» موضوع نیست که بحث از عوارض موضوع، مفاد «کان ناقصه» است (یعنی مانند هلیت مرکبه چیزی را برای موضوع اثبات می‌کند. در مجموع ظاهراً آخوند می‌خواهد نتیجه بگیرد که بحث از سنت بحث ثبوتی است و بحث ما در اصول پیرامون اثبات چیزی برای سنت است).

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفاية الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۴/۳/۲. پاسخ آخوند به این که اصول از عوارض خبر است نه سنت

فانه يقال نعم لكنه مما لا يعرض السنة بل الخبر الحاکي لها فإن الثبوت التعبدی يرجع إلى وجوب العمل علی طبق الخبر كالسنة المحكية به وهذا من عوارضه لا عوارضها كما لا يخفى.

و بالجمله الثبوت الواقعي ليس من العوارض والتعبدی وإن كان منها إلا أنه ليس للسنة بل للخبر فتأمل جيدا.

چرا که اگر چنین اشکالی نماید این پاسخ را دریافت می‌کنید که بله، همین طور است لکن این از عوارض سنت نیست، از عوارض خبر حکایت کننده‌ی از سنت است. ثبوت تعبدی به وجوب عمل بر طبق خبر باز می‌گردد که خبر مانند سنت حکایت شده به واسطه‌ی آن است و این ثبوت از عوارض خبر می‌شود نه از عوارض سنت. این مطلب چیز پنهانی نیست.

در مجموع، ثبوت واقعی از عوارض نیست. ثبوت تعبدی هم اگر چه از عوارض است لکن عارض بر سنت نیست بلکه عارض بر خبر است، خوب دقت کن!

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۴/۴. تعمیم معنای سنتّ جهت شامل شدن بر خبر

و أما إذا كان المراد من السنة ما يعم حکايتها فلأن البحث في تلك المباحث و إن كان عن أحوال السنة بهذا المعنى إلا أن البحث في غير واحد من مسائلها كمباحث الألفاظ و جملة من غيرها لا يخص الأدلة بل يعم غيرها و إن كان المهم معرفة أحوال خصوصها كما لا يخفى.

اما اگر منظور از سنتّ آن چیزی باشد که شامل «حکایت» از سنتّ هم بشود (یعنی شامل خبر هم باشد)، در این حالت بحث از این چنین سنتّی (اگر چه به این معنا بحث ما از عوارض سنتّ خواهد بود) تنها مختص ادله نیست (مانند مباحث الفاظ و گروهی دیگر از مباحث)، بلکه غیر ادله را هم شامل می شود، اگر چه غرض ما شناخت حالات ادله باشد. این مطلب واضح است.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۵. تعریف علم اصول

۵/۱. تعریف مشهور از علم اصول

و یؤید ذلك تعريف الأصول بأنه (العلم بالقواعد الممهدة لاستنباط الأحكام الشرعية)

تعریف مشهور از اصول نیز مؤید این مطلب است به این که «علم به قواعدی است که برای استنباط احکام شرعی

آماده شده‌اند».

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۵/۲. تعریف کامل تر از علم اصول (تعریف آخوند)

وإن كان الأولى تعريفه بأنه (صناعة يعرف بها القواعد التي يمكن أن تقع في طريق استنباط الأحكام أو التي ينتهي إليها في مقام العمل)

اگر چه تعریف ما از علم اصول اولی است به این که «صناعتی است که با آن قواعدی که می تواند در طریق استنباط احکام قرار گیرد یا قواعدی که در مقام عمل به احکام منتهی می گردد شناخته می شود».

تقریر:

وضعیت فیش:

خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۵/۲/۱. علت اولویت تعریف آخوند

بناء على أن مسألة حجية الظن على الحكومة و مسائل الأصول العملية في الشبهات الحكيمة من الأصول كما هو كذلك ضرورة أنه لا وجه لالتزام الاستطراد في مثل هذه المهيات.

اولويت آن هم بر این اساس است که مسأله‌ی «حجیت ظن بر حکومت» و مسائل «اصول عملیه در شبهات حکمیّه» از علم اصول است. به ضرورت این که نمی توان این چنین مسائل مهمی را استطرادی داخل علم اصول دانست.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفاية الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه:

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

عنوان فیش:

متن فیش:

۲/۲/۱. عدم امکان نبودن حکم واقعی

ولا یخفی أنه لا یکاد یعقل الاجتهاد فی حکم المسألة إلا إذا کان لها حکم واقعا حتی صار المجتهد بصدده استنباطه من أدلته و تعیینه بحسبها ظاهرا

بر کسی پوشیده نیست که نمی شود اجتهاد در مسأله ای را تصوّر کرد مگر آن که حکمی واقعی برای آن مسأله وجود داشته باشد، تا مجتهد در صدد استنباط آن از ادله اش باشد و در صدد تعیین آن به حسب ظاهر.

تقریر:

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

شماره صفحه: ...۹...

عنوان فصل: اصرودوم: وضع الفاظ

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

متن فیش:

الأمر الثاني

الوضع هو نحو اختصاص للفظ بالمعنى ، وارتباط خاص بينهما ، ناش من تخصيصه به تارة ، ومن كثرة استعماله فيه أخرى ، وبهذا المعنى صح تقسيمه إلى التعييني والتعيني ، كما لا يخفى .

تقریر:

وضع: لفظ

حين: اسم مصدر

مثل: كثره اختصاص وارتباط بين لفظيهما

وضیعت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل:

شماره صفحه: ...۱۵۰

نوع محتوای فیش:

تعریف

تقسیم

برهان

متن فیش:

ثم إن الملحوظ حال الوضع : إما يكون معنى عاماً ، فيوضع اللفظ له تارة ، ولأفراده ومصاديقه أخرى ؛ وإما يكون معنى خاصاً ، لا يكاد يصح إلا وضع اللفظ له دون العام ، فتكون الأقسام ثلاثة ،

تقریر:

معموم وضع

۱- وضع عام - موضع له عام

۳- وضع خاص موضع له خاص

۲- وضع عام - موضع له خاص

۴ وضع خاص موضع له عام (امکان)

وجبه تقسیم: مقدر و كما قد لعدا و معنا

زیرا وضع از امور اشائی بوده و مقوم به می‌فد لعدا

(معنا است)

وضعیت فیش:

خوب

متوسط

مجدداً بررسی شود

صفتی: واضع کتب صفاتی کلی قابل اطلاق بر کسب و کار را تصور می نماید

کبری: یا لفظی برای آن صفاتی کلی وضع می کند یا خبری

بیجان: آثار لفظی در برابر و برای آن کلی وضع کند و در نزد (وضع عام - موضوعی - مرسوم عام

مستند اسناد اجناس - رجل قرینه - انسان) و آثار لفظی در برابر مصادیق و افراد

آن کلی وضع کند خود کلی (مرد درختی - وضع عام و صفتی که خاص

پژوهش تطبیقی: فیش برداری از کتاب کفایة الاصول (تألیف مرحوم آخوند خراسانی)

عنوان فصل: امر درم - وضع الفاظ

شماره صفحه: ... ۱۰۰۰

نوع محتوای فیش:

 تعریف تقسیم برهان

متن فیش:

وَأَنَّكَ لَأَنَّ الْعَامَ يَصْلَحُ لِأَنَّ
يكون آلة للحاظ أفراده ومصاديقه بما هو كذلك ، فإنه من وجوهها ، ومعرفة
وجه الشيء معرفته بوجه ، بخلاف الخاص ، فإنه بما هو خاص ، لا يكون
وجهاً للعام ، ولا لسائر الأفراد ، فلا يكون معرفته وتصوره معرفة له ، ولا لها
- أصلاً - ولو بوجه .»

أرْ نَعَمْ رَبِّمَا يُوْجِبُ تَصَوُّرَهُ تَصَوُّرَ الْعَامِ بِنَفْسِهِ ، فَيُوضَعُ لَهُ اللَّفْظُ ، فَيَكُونُ
الْوَضْعُ عَاماً ، كَمَا كَانَ الْمَوْضُوعُ لَهُ عَاماً ، وَهَذَا بِخِلَافِ مَا فِي الْوَضْعِ الْعَامِ
وَالْمَوْضُوعِ لَهُ الْخَاصُّ ، فَإِنَّ الْمَوْضُوعَ لَهُ - وَهِيَ الْأَفْرَادُ - لَا يَكُونُ مَتَصَوِّراً إِلَّا
بِوَجْهِهِ وَعَنْوَانِهِ ، وَهُوَ الْعَامُ ، وَفَرْقٌ وَاضِحٌ بَيْنَ تَصَوُّرِ الشَّيْءِ بِوَجْهِهِ ، وَتَصَوُّرِهِ
بِنَفْسِهِ ، وَلَوْ كَانَ بِسَبَبِ تَصَوُّرِ أَمْرٍ آخَرَ .»

ولعل خفاء ذلك على بعض الأعلام^(۱) ، وعدم تميّزه بينهما ، كان
موجباً لتوهم إمكان ثبوت قسم رابع ، وهو أن يكون الوضع خاصاً ، مع كون
الموضوع له عاماً ، مع أنه واضح لمن كان له أدنى تأمل .

تقریر:

صغری: نفس توان از تصور صفات جزئی - عقلی را برای کلی وضع نمود (وضع خاص موضوع له عام)
و صفات جزئی را تصور نمود ولی عقدا را برای کلی وضع نمود

برهان
۱

کبری: افراد و مصادیق عنوان و وصف کلی نسبت به برخلاف کلی که عنوان و وصف افراد
و انسان وصف زیاد است اما زیاده وصف انسان است

تیسیم: تصور صفات جزئی عنوان و وصف کلی است. (وضع خاص موضوع له عام امکان ندارد)

وضعیت فیش:

 خوب متوسط مجدداً بررسی شود

صغری: تا هی یک تصور انوری و مستقل نسبت به کلی که مقدمه دردی که به دنبال تصور افراد
و صادق است .

کبری: تصور فوق یک تصور ~~کلی~~ ^{و همه} است لذا در آن کسی از وضع خاصه و موضوع له عام است
بنابراین سه تصور نشه و فر وجه اختلاف است .

نتیجه . تصور تا هی نسبت به کلی یک تصور فر وجه است و با تصور نشه (وضع خاص) و موضوع له
تفاوت دارد .